



A Study of Important determinants of Knowledge sharing among Graduate Students of Tabriz university

Davood Ghasemzadeh¹ | Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam² | Mohammad Abbaszadeh³

1. Corresponding Author, Ph.D Department of social science, Iran. E-mail: davood.qasemzade@gmail.com
2. Ph.D Department of social science, Iran. E-mail: aghdam1351@yahoo.com
3. Professor of Sociology, Department of Social Sciences, and director of the research department of urban and Rural Sociology, Faculty of law and Social Sciences, University of Tabriz. Tabriz.Iran. E-mail: m.abbaszadeh2014@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received 23 May 2019 Received in revised form 17 July 2024 Accepted 17 July 2024 Published online 19 March 2025 Keywords: social trust, cultural collectivization, academic self-efficacy cyber ethics, organizational culture	Knowledge sharing is one of the main components of knowledge management that plays an important role in academic environments for producing and creating new knowledge. The purpose of the present research is to study the sociological study of the main determinants of knowledge sharing at Tabriz University. The method of this study is survey and the statistical population all graduate students of Tabriz University in academic year 2017-2018 is 5589 people. With using Cochran formula 650 students selected by classified sampling. Data collection tools are standard and researcher made questionnaire. Data analyzed with Spss and LESREL. The findings of this research indicate that organizational culture, social trust, cultural collectivism, cyber ethics, religiosity, social intelligence and academic self-efficacy have a positive and significant relationship with knowledge sharing. The results of t and f tests show that knowledge sharing do not significant difference in terms of gender and social class, respectively among graduate students of Tabriz University. The results of regression analysis show that the variables of social trust, cultural collectivism, organizational culture and cyber ethics account for 30% of the changes related to knowledge sharing. According to the results of the path analysis the social trust with the total effect of the (0.39), cultural collectivization (0.33), academic self-efficacy (0.14), cyber ethics and organizational culture (0.13), there is a positive and significant effect on knowledge sharing. The results of this study indicate that knowledge sharing is influential from social and cultural variables and should be considered in policy making.
Cite this article: Ghasemzadeh,D. Alizadeh aghdam, M.B, Abbaszadeh,M (2025). A Study of Important determinants of Knowledge sharing among Graduate Students of Tabriz university, <i>Sociological Review (Social Science Letter)</i>, 31 (2), 167-182. . DOI: http://doi.org/10.22059/JSR.2024.281991.1403	
	© The Author(s). DOI: http://doi.org/10.22059/JSR.2024.281991.1403 Publisher: University of Tehran Press.

مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های اساسی اشتراک دانش (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز) داود قاسم‌زاده^۱ | محمدباقر علیزاده اقدم^۲ | محمد عباس‌زاده^۳

۱. نویسنده مسئول، دکتری گروه آموزشی علوم اجتماعی، ایران. رایانامه: davood.qasemzade@gmail.com

۲. دکتری گروه آموزشی علوم اجتماعی، ایران. رایانامه: aghdam1351@yahoo.com

۳. استاد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌شناسی شهری و روستایی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران. رایانامه: m.abbaszadeh2014@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	اشتراک دانش یکی از مولفه‌های اصلی مدیریت دانش بوده که نقش پراهمیتی را در محیط‌های دانشگاهی برای تولید و خلق دانش جدید بازی می‌کند. هدف پژوهش حاضر مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های اساسی اشتراک دانش در دانشگاه تبریز می‌باشد. روش پژوهش حاضر پیمایشی بوده و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به تعداد ۵۵۸۹ نفر می‌باشد، که از این تعداد ۶۵۰ نفر براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب به عنوان نمونه انتخاب شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های استاندارد و محقق‌ساخته می‌باشد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و لیزرل (LESREL) تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که متغیرهای فرهنگ سازمانی، اعتماد اجتماعی، جمع‌گرایی فرهنگی، اخلاق سایبری، دین‌داری و خودکارآمدی دانشگاهی، همبستگی مثبت و معنی‌داری با اشتراک دانش دارند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای اعتماد اجتماعی، جمع‌گرایی فرهنگی، فرهنگ سازمانی و اخلاق سایبری ۳۰ درصد از تغییرات مربوط به اشتراک دانش را تبیین می‌کنند. براساس نتایج تحلیل مسیر اعتماد اجتماعی با اثرکل (۰/۳۹)، جمع‌گرایی فرهنگی (۰/۳۳)، خودکارآمدی دانشگاهی (۰/۱۴)، اخلاق سایبری و فرهنگ سازمانی (۰/۱۳) تاثیر مثبت و معنی‌داری بر اشتراک دانش دارد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اشتراک دانش از متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تاثیرپذیر هست و بایستی در سیاستگذاری‌ها این عوامل را در نظر گرفت.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۷	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها: اشتراک دانش، اخلاق سایبری، اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی، خودکارآمدی دانشگاهی	

استناد: قاسم‌زاده، داود، علیزاده اقدم، محمدباقر، عباس‌زاده، محمد (۱۴۰۳). مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های اساسی اشتراک دانش. *مطالعات جامعه‌شناختی* (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۱ (۲)، ۱۶۷-۱۸۲.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2024.281991.1403>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

در فضای زیست جهان امروزی، دیدگاه‌های جهانی و گوناگون بشری، اقتصادی و اجتماعی، فناورانه و زمینه‌های فرهنگی همگی درهم تنیده شده‌اند تا به پیدایش و ظهور چشم‌انداز جهانی دانش منجر شوند. در دنیای معاصر به خاطر تحولات عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه شبکه‌های مجازی و طرح بیش از پیش عصر اطلاعات و دانش، تاکید بر مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این میان، اشتراک دانش به مثابه بعدی از مدیریت دانش، نقش بی‌بدیلی در توسعه دانشگاه‌ها و به تبع آن در جامعه داشته است که پژوهشگران و محققان رشته‌های مختلف توجه زیادی را به این موضوع معطوف داشته‌اند. متناسب با تحولات جدید در دنیای امروز و بروز مسایل و مشکلات تازه، چه در زمینه‌های سلامت بشری (انواع بیماری‌های جسمانی و روانی نوظهور مرگ‌آور) و چه در زمینه انواع ناامنی‌ها (زیست‌محیطی، مواد مخدر، تروریسم و...) ضرورت چرخش در نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با علم و تولید دانش، همگام با تحولات مذکور، که گاه شتاب‌آور نیز رخ می‌دهد، بیشتر آشکار می‌شود؛ بنابراین تحلیل جامعه‌شناختی عمیق در قلمرو سیاست‌های علمی به ویژه در زمینه شیوه‌های تولید علم در سطوح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی از یک سو نیازمند مرور نظریه‌ها و دیدگاه‌های مهم در جامعه‌شناسی علم و تاریخ تکوین آنهاست و از سوی دیگر شناساندن دیدگاه‌ها و رویکردهای نوین در این مجموعه از جامعه‌شناسی است (ربانی خوراسگانی و دیگران، ۱۳۹۰:۱۱۸). در گذشته‌ای نه چندان دور، قدرت و مزیت رقابتی یک سازمان بر مبنای دسترسی به منابع مادی سنجیده می‌شد، در حالی که در محیط پویای امروز، دانش یکی از منابع اصلی دستیابی به مزیت رقابتی و همچنین یکی از بزرگترین مزیت‌های رقابتی سازمان‌ها در عرصه اقتصاد جهانی به شمار می‌آید و آن را منبعی برای همبستگی در جوامع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌داند (نعمتی انارکی، ۱۳۹۳:۲۳).

علم فناوری مدرن بخش تفکیک‌ناپذیری از جامعه و در کنش متقابل با آن است. حقیقتی که نووتی و همکاران (۲۰۰۱)، بوچی (۲۰۰۴)، شین (۲۰۰۳) و بسیاری دیگر از صاحب‌نظران مطالعات اجتماعی بر آن تاکید داشته و آن را تحت عنوان «تکامل و تکوین مشترک علم و جامعه» نامیده‌اند. این امر به منزله آن است که علم فناوری مدرن نمی‌تواند بدون توجه به افکار و نگرانی‌های عمومی و آنچه که جامعه طلب می‌کند و یا نسبت به آن احساس خطر می‌کند (چیزی که الریش بک نامش را جامعه و جامعه‌شناسی بیم گذاشته است)، مسیر موفقیت‌آمیزی طی کند. به همین دلیل بسیاری از دانشگاه‌ها و دانشمندان برجسته در دنیا به دنبال درک واقعی جامعه و شرایط اجتماعی تولید علم در رشته‌های تخصصی خود هستند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۶:۱۳۸). دانش به تنهایی چیزی نیست، ولی وقتی که به اشتراک گذاشته می‌شود، ارزش خود را پیدا می‌کند. اشتراک دانش ابتدا در سازمان‌های بازرگانی و تجاری به منظور تشویق کارفرمایان برای به اشتراک گذاشتن دانش‌شان در جهت عملکرد گروهی و مزایای رقابتی مطرح شد. به همان اندازه، اشتراک دانش در سازمان‌های غیرتجاری مانند نهادهای علمی و دانشگاهی هم اهمیت زیادی دارد (ملاسی و آیین، ۲۰۱۵:۱). امروزه، رقابت سازمانی در رابطه با منابع ناملموس مانند دانش و فرآیندهای انتقال آن مطرح می‌شود. دانش، مفهوم، مهارت، تجربه و پنداره‌ای است که چارچوبی را برای خلق، ارزیابی و استفاده از اطلاعات فراهم می‌سازد (جعفری نویمی‌پور و چاربند، ۲۰۱۶:۷۳۱). اشتراک دانش اهمیت خود را از نقشی که در بهبود کارایی هر سازمان و دانشگاه و مزایای رقابتی که به آن می‌بخشد، به دست می‌آورد و عنصر محوری در مدیریت موفق دانش می‌باشد. اشتراک دانش، یکی از ویژگی‌های فرهنگ دانش سالم است که

در شیوه‌هایی که سازمان عمل می‌کند، تعبیه شده است و از این حیث که به توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌ها می‌پردازد و با ایجاد ارزش افزوده و حمایت از مزیت رقابتی به سازمان کمک می‌کند، حائز اهمیت بسیاری است (حسین قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۳).

اشتراک دانش موثر بین اعضای یک سازمان یا مرکز علمی منجر به کاهش هزینه‌ها در تولید دانش و تضمین انتشار بهترین روش‌های کاری در داخل سازمان شده و سازمان را قادر به حل مسائل و مشکلات خود می‌نماید. اشتراک دانش از آن جهت که می‌تواند موجب گسترش سریع دانش به بخش‌های قابل کاربرد باشد، دارای اهمیت می‌باشد. در واقع، اشتراک دانش سبب اشتراک گذاشتن ایده‌ها می‌شود و ایده‌ها زمانی بیشترین تاثیر را به همراه دارند که به جای این که تنها در اختیار تعداد کمی قرار گیرند، به طور گسترده در همه جا مورد استفاده باشند (اسکندری و ولوی، ۱۳۹۶: ۶۰). لین و همکاران (۲۰۰۹) براین باورند که اشتراک دانش یک فرآیند ارتباطی است که دو یا چند شرکت‌کننده را برای تهیه و دسترسی به دانش دربرمی‌گیرد. رفتار اشتراک دانش به صورت گسترده در زندگی روزانه وجود دارد و به واسطه اعتماد متقابل تداوم می‌یابد. اگرچه، زمانی که اطلاعات و دانش به عنوان دارایی ارزشمند در نظر گرفته شوند، در نتیجه، اعمال پنهان کردن و نگهداشت اطلاعات، قابل توجه خواهند بود (چن و کو^۱، ۲۰۱۷: ۳). بررسی پژوهش‌ها و مطالعات نشان می‌دهد عوامل موثر در تمایل به اشتراک دانش از سه بعد فایده و لذت، هزینه و سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. از بعد فایده و لذت، افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که یا بیشترین منافع را برای آنان به دنبال داشته باشد یا باعث ایجاد مقام و احترام برای آنها شود. گاهی اوقات نیز افراد بدون انتظار از طرف مقابل و تنها با انگیزه میل به کمک به دیگران، به اشتراک دانش می‌پردازند. از بعد هزینه هم می‌توان به تلاش برای اشتراک گذاشتن و کاهش رویکرد قدرت‌انگاری به دانش اشاره کرد. از بعد سرمایه اجتماعی، اعتماد عامل مهمی در تمایل به اشتراک دانش است. در واقع، زمانی که دو طرف شروع به اعتماد به یکدیگر می‌کنند، تمایل بیشتری برای به اشتراک گذاشتن منابع خود بدون هیچ نگرانی از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن این منابع از سوی طرف مقابل دارند (انبارکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶).

اشتراک دانش به عنوان فرآیند مبادله دانش نظیر مهارت‌ها، تجربیات و فهم بین پژوهشگران، سیاست‌گذاران و تامین‌کنندگان خدمات تعریف می‌شود. اشتراک‌گذاری دانش تضمین می‌کند که عمل و استراتژی مبتنی بر شواهد باشد. کانلی و کیلوی^۲ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که اشتراک دانش مجموعه‌ای از رفتارها است که مبادله اطلاعات و کمک به دیگران را دربرمی‌گیرد. این مفهوم دربرگیرنده عنصری از عمل متقابل می‌باشد، تسهیم اطلاعات می‌تواند یک طرفه و غیردرخواست شده باشد (اوسمان و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۹۰۵). دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نقش مهمی را در توسعه اجتماعی - اقتصادی جوامع از طریق تولید و اشتراک دانش بازی می‌کنند. علاوه براین، تولید و اشتراک دانش یک ابزار استراتژیک قوی برای تقویت مزیت‌های رقابتی است (اسلام^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). در محیط دانشگاهی و مراکز آموزشی اشتراک دانش یک عنصر خیلی کلیدی می‌باشد، برای اینکه همه کارکنان آن غالباً با دانش درگیر هستند (تریهان و کوشواها^۵، ۲۰۱۲: ۲۵۳). در چنین محیطی، اشتراک دانش موثر تضمین می‌کند که آیا افراد این مجموعه قادر به تحقق بخشیدن و توسعه قابلیت‌های خود به طور کامل هستند یا خیر. اگرچه به اشتراک گذاشتن دانش در دانشگاه‌ها می‌تواند فواید بسیار زیادی را ایجاد کند، به عنوان یکی از مسایل و چالش‌های بنیادین مدیریت دانش در محیط‌های دانشگاهی نیز مطرح است (کفاشان کاخکی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۴).

1. Chen & Kuo
2. Connelly and Kelloway
3. Osman et al
4. Aslam
5. Trehan & kushwaha

ادراک دانشگاهیان و تمایل و اشتیاق آنها به اشتراک دانش بخش مهمی از فرآیند مدیریت دانش را تشکیل می‌دهد (عبدالله^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۳۱). در این راستا، گاتین (۱۹۹۹) معتقد است اشتراک دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دارای اهمیت زیادی است، زیرا اعضای هیئت علمی و دانشجویان در فعالیتهای خود بصورت دایمی در فرآیند خلق، نشر و یادگیری دانش درگیر هستند؛ با این وجود، کامیابی و موفقیت موسسه‌های آموزش عالی اصولاً وابسته به سرمایه فکری اعضای هیئت علمی و قابلیت‌های آنان برای رشد و بقا در یک محیط پویاست. برای این منظور، اعضای هیئت علمی و دانشجویان باید نقش درحال تغییر خود را در جامعه دانایی محور شناخته و به آن پاسخ مناسب دهند. این امر نیازمند درگیر شدن همه آنها و کلیه فراگیران در فرآیند مدیریت دانش و کوشش برای تغییر پارادایم قبلی «دانش قدرت است» به پارادایم جدید «اشتراک دانش قدرت است» می‌باشد (حسین قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۳). بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌کننده‌های اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز می‌باشد.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

اسویی^۲ سلسله مراتب دانش را مطرح می‌کند. بالاترین سطح دانش توانایی یا تخصص است. هر سطحی از دانش دربرگیرنده دانش کانونی و ضمنی می‌باشد. این سلسله مراتب، از داده شروع و به فهم ابزاری ختم می‌شود. الف) داده (Data): اعداد، کمیت‌های عددی یا صفات ویژه‌ای هستند که از مشاهده، تجربه یا محاسبه به دست می‌آید. داده به عنوان مجموعه‌ای از واقعیت‌ها، سنج‌ها و آمارهاست. به عبارت دیگر، داده‌ها حقایق و واقعیت‌هایی خام هستند و این اجزاء در پایگاه‌های داده ذخیره و مدیریت می‌شوند. به طور کلی منشاء تشکیل دانش، داده است (طالبی، پاکدل بناب و زمستانی، ۱۳۹۲: ۱۴). ب) اطلاعات (Information): داده‌هایی که در یک زمینه خاص هستند. اطلاعات، مجموعه‌ای از داده‌ها، توصیفات و تفاسیر مرتبط و دیگر موضوعات مربوط به متن با توجه به اهداف، رویدادها یا فرآیندهای ویژه است. برای تبدیل داده به اطلاعات مفید، نخست باید داده‌ها را طبقه‌بندی و سازماندهی کرد و سپس آنها را به مقوله‌های قابل فهم تبدیل کرد. ج) فراداده (Metadata): داده‌هایی که درباره اطلاعات هستند. فراداده دربرگیرنده خلاصه توصیفی و طبقه‌بندی از داده و اطلاعات می‌باشد؛ یعنی فراداده، شناخت حوزه یا زمینه‌ای است که اطلاعات در آن حوزه یا زمینه به کار گرفته می‌شود. دانش، اطلاعاتی سازمان یافته، تلفیقی یا طبقه‌بندی شده محسوب می‌شود که جامعیت داشته و آگاهی یا فهم را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، دانش ترکیبی از فراداده‌ها و آگاهی از زمینه‌ای است که در آن فراداده می‌تواند به شکل موفقیت‌آمیزی استفاده شود. د) فهم ابزاری: درک کامل و روشنی از ماهیت و اهمیت موضوعی خاص است. فهم ابزاری یک دانش شخصی و درونی است که تجربیات قابل فهم را از طریق ارتباط دانش ویژه با مفاهیم کلی منتقل می‌کند (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۰). هـ) دانش: دانش ترکیب سیالی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات جدید به دست می‌دهد. دانش در سازمان‌ها نه تنها در مدارک و ذخایر دانش، بلکه در رویه‌های کاری و فرآیندهای سازمانی مجسم می‌شود. تبدیل داده به اطلاعات و سپس دانش، محور اصلی مدیریت دانش است. دانش عبارت است از افکار، پندارها و درس‌های آموخته شده که فرد آنها را از طریق تجربه، استدلال، بصیرت، یادگیری و خواندن و شنیدن به دست می‌آورد. با سهیم شدن در دانش دیگران، دانش گسترش می‌یابد و با ترکیب دانش با سایر دانش‌ها، دانش‌های جدید به وجود می‌آیند.

1. Abdullah

2. Swibi

دانش ماهیتی فردی دارد چرا که با ارزش‌ها و باورهای افراد و ادراک آنها از جهان و دیگران، ارتباط متقابل دارد (طالبی، پاکدل بناب و زمستانی، ۱۳۹۲: ۱۴).

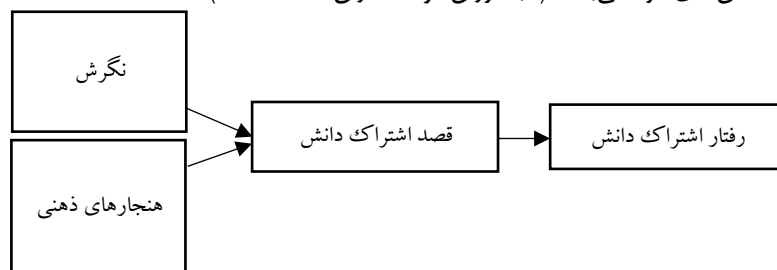
جورج هومنز در نظریه مبادله، با طرح مجموعه‌ای از قضایای بنیادی براین باور است که این قضایا مبتنی بر اصول روان‌شناسی‌اند. به نظر وی این قضایا به دو دلیل روان‌شناختی‌اند. نخست، اندیشمندانی که این نظریه را طرح کرده‌اند، بیشتر زمینه روان‌شناسی داشته‌اند و دوم به خاطر سطح برخوردی که با فرد در جامعه دارند روان‌شناختی‌اند. «آنها قضایایی درباره رفتار نوع انسان است نه درباره گروه‌ها یا جوامع به معنای دقیق کلمه؛ و رفتار انسان به مثابه انسان عموماً حوزه روان‌شناسی به حساب می‌آید» (ریتزر، ۱۳۹۳: ۵۶۲). نظریه مبادله اجتماعی یکی از مدل‌های مورد استفاده در تعاملات بین فردی در روان‌شناسی اجتماعی می‌باشد که رفتار، عاطفه، فرآورده‌ها و ارتباط را دربر می‌گیرد. رویکرد مبادله اجتماعی ریشه در نظریه هزینه-فایده دارد که بسیار شبیه به مبادله اقتصادی است. مبادله اجتماعی مرتبط با هزینه و فایده اجتماعی ناملموس (نظیر احترام، افتخار، دوستی و مراقبت) بوده و بواسطه قوانین و قواعد آشکار یا قراردادهای پوشش داده نمی‌شود. مانند مبادله اقتصادی، در مبادله اجتماعی فرض بر این است که افراد زمانی در مبادله حضور می‌یابند که انتظار دارند پاداش‌شان از مبادله، هزینه شرکت و حضور در آن را توجیه کند (سود بیشتر از زیان باشد). تفاوت اصلی بین مبادله اجتماعی و اقتصادی در این است که در مبادله اجتماعی هیچ تضمینی وجود ندارد که پاداش‌های متقابل در هزینه‌هایی که سرمایه‌گذاری کرده است، برگشت داده شود. برای اینکه برخلاف مبادله اقتصادی هیچ قانون و قاعده‌ای وجود ندارد که تعاملات را پوشش دهد، تنها تضمین در مبادله اجتماعی نیت همکاری‌جویانه طرف مقابل است. برای مثال باوری که در طرف مقابل به وجود می‌آید که انتظارات را برآورده سازد. در حالت کلی، فرآیند اشتراک دانش نوعی از فعالیت انسانی به ویژه متناسب با نظریه مبادله اجتماعی برای کشف رفتار اشتراک در گروه‌های واقعی به دلایل مختلف می‌باشد. نخست، اشتراک دانش مجموعه‌ای از مبادله‌هاست. دوم، افراد در گروه‌های واقعی منافع را افزایش و هزینه‌ها را کاهش می‌دهند. سوم، موفقیت اشتراک دانش در گروه‌های واقعی مبتنی بر اعضای گروه نسبت به جبران کردن اشتراک دانش می‌باشد (لین^۱ و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۳۱).

بنابراین می‌توان گفت که نظریه مبادله اجتماعی مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی است که بیشتر در سطح خرد و فردی مطرح می‌باشد. به عبارتی دیگر، افراد زمانی به انجام کنشی دست می‌زنند که قبلاً حساب سود و زیان آن را کرده باشند و وقتی که سود و منفعت آن عمل بیشتر از ضرر و زیان آن باشد، تمایل بیشتری به انجام آن عمل نشان می‌دهند. در این میان، متغیر کلیدی اعتماد بین فردی نقش حیاتی دارد، یعنی افراد در صورتی که بستر را برای یک رفتاری در پژوهش حاضر (اشتراک دانش) مناسب ببینند، انگیزش کافی برای کنشگری در این رفتار را خواهند داشت. لذا، با الهام از نظریه مبادله اجتماعی می‌توان گفت که بین اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اسپریتزر (۱۹۹۲) چهار بعد شناختی توانمندسازی را مورد بررسی قرار داده است. الف) حس شایستگی: زمانی که افراد توانمند می‌شوند، احساس خودکارآمدی می‌کنند. برای مثال، آنها احساس می‌کنند که توانایی و مهارت‌های لازم برای یک کار موفق را دارند. چنین احساساتی تعیین می‌کند که آنها برای انجام کار سخت تلاش کنند و خویشتن‌داری داشته باشند یا خیر. ب) حس معنی‌داری: افراد توانمند احساس معنی‌داری دارند. آنها براین باورند که آنچه انجام می‌دهند، ارزشمند است. ایده‌آل‌ها و استانداردها با آنچه که می‌خواهند انجام دهند، هماهنگ و سازگاری دارد. افراد توانمند نسبت به کارهایی که انجام می‌دهند، مراقب هستند و به آن باور دارند، آنها به خاطر آن حس هویت دارند. پ) حس حق انتخاب: خود تعیین‌کنندگی، حق انتخاب وظایف شخصی می‌باشد. آنها خودشان را به عنوان آفریننده در نظر می‌گیرند و می‌توانند کارهای خودشان را انجام دهند. د) حس اثربخشی: افراد توانمند حس

کنترل فردی بر برآیندها و پیامدهای کارهای خودشان دارند. آنها براین باورند که با تاثیرگذاری در محیطی که در آن کار می‌کنند، می‌توانند موجب تغییرات باشند. هـ) حس اعتماد به دیگران: افراد توانمند احساس می‌کنند که با آنها با انصاف و عدالت رفتار می‌شود. آنها اطمینان دارند که برآیند نهایی کار آنها، منصفانه خواهد بود (چوبدر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۰۳). آرگوت، مک اویلی و ریگانز (۲۰۰۳) در بازخوانی مضامین نوظهور و پیشنهاد چارچوب ترکیبی برای مدیریت دانش در سازمان‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های بخش‌ها می‌تواند محرک اصلی مدیریت دانش موثر بشود. علاوه براین، فیلترهای ادراکی مردم معمولاً برای تفسیر کنش‌ها و رویدادها بر اکتساب و استفاده از دانش آنها تاثیر می‌گذارد. کارکنان دانش به منظور ترویج تولید دانش و نوآوری باید توانمند شوند. کارکنان توانمند نقش فعالی در جستجوی دانش و فعالیت‌های دیگر دارند و به این وسیله آنها وظایف خود را به صورت موفق می‌دانند. زمانی که وظایف سازمانی حالت فوری پیدا کرده و دانش محور می‌باشد، افراد توانمندی که عمل مناسبی اتخاذ می‌کنند، اهمیت کلیدی پیدا می‌کنند. ارزش این عمل و تصمیم‌هایی که آنها می‌گیرند به دانش آنها در همان زمان بستگی دارد. در چنین موقعیتی، اینکه چگونه آنها دانش خود را مدیریت کنند، جنبه مهمی از دسترسی به دانش کنش‌پذیر دارد (موحامد^۲، ۲۰۰۶: ۳۶). توانمندسازی روان‌شناختی صرفاً نوعی از اثر درونی انگیزش نیست، بلکه همچنین یک جهت‌گیری انگیزشی فعال می‌باشد. هر دوی اینها عناصری از پیش‌گستری هستند. اگرچه، توانمندسازی روان‌شناختی متفاوت از انگیزش‌های درونی کلی هستند، برای اینکه برخلاف انگیزش‌های درونی که منفعل هستند، یک انگیزش درونی فعال است. پیش‌فرض کلیدی در توانمندسازی روان‌شناختی این است که افراد توانمند خیلی فعال هستند. این نوع افراد دانش جامعی در رابطه با کارهای‌شان دارند و می‌توانند کارهای خود را برنامه‌ریزی و طراحی کنند و در تشخیص و حل موانع عملکردشان توانا هستند (کانگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۷۷). با الهام از نظریه توانمندسازی روان‌شناختی می‌توان گفت که خودکارآمدی دانشگاهی در تسهیم دانش و تجربه تاثیرگذار می‌باشد.

تئوری کنش عقلانی (TRA) مدل روان‌شناسی اجتماعی است که قصد و نیت عقلانیت رفتار را تبیین می‌کند. این تئوری توسط اندیشمندان مختلف برای تعیین قصد و نیت رفتارهای فرد در حوزه‌های چندرشته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر، این تئوری بر قصد و نیت رفتار اشتراک دانش در بین ترجیحات فردی می‌پردازد. قصد و نیت افراد برای ایفای یک رفتار تحت تاثیر نگرش‌های مثبت و هنجارهای اجتماعی در رابطه با اینکه چگونه دیگران مشارکت افراد را در یک رفتار خاص می‌پذیرند، قرار دارد. این تئوری نگرش و هنجارهای اجتماعی که قصد و نیت رفتار اشتراک دانش افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بیان می‌کند. نگرش به عنوان حالت پاسخ مطلوب و نامطلوب به خود، دیگران و محیط تعریف می‌شود. در حالیکه هنجارهای اجتماعی به عنوان شیوه‌های تفکر و انتظارات افراد از دیگران نسبت به کنش‌های فرد می‌باشد (عبدالرزاق^۴ و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۴۹).



مطالعات داخلی

سلیمان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران از دید اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به این نتیجه رسیدند که درباره وجود کیت هر پنج مولفه اشتراک دانش یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات، راهبردهای مدیریتی، عوامل ساختاری-اداری، ساختار فرهنگی و عوامل انسانی از نظر اساتید و دانشجویان نوعی اتفاق نظر وجود دارد، ولی در مورد جزئیات مولفه‌های تشکیل دهنده این زیرساخت‌ها برخی اختلاف‌نظرهایی بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان وجود دارد (سلیمان‌پور، فرج‌پهلوی و دهداری راد، ۱۳۹۶).

رضادوست و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل هنجاری و سازمانی موثر بر میزان تولید علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز که با روش پیمایشی در بین ۲۲۴ نفر انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای میزان پایبندی به هنجارهای علمی، ارتباطات، فرهنگ سازمانی دانشگاه، جو گروه آموزشی، منابع و امکانات دانشگاه و میزان تولید علمی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، ولی بین متغیر نظام پاداش و میزان تولید علمی اعضای هیئت علمی رابطه معنی‌داری وجود ندارد (رضادوست، نواح و ادیب زاده، ۱۳۹۶).

بررسی عوامل موثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش‌بینی رفتار آنها مطالعه‌ای است که توسط بیرانوند و همکاران (۱۳۹۶) با روش پیمایشی از ۱۸۰ کتابدار شاغل در کتابخانه‌های عمومی استان فارس انجام شده است. نتایج مطالعه نشان داده است که اکثر متغیرهای مدل تلفیقی تبادل اجتماعی و پذیرش فناوری اطلاعات بر تسهیم دانش تاثیر دارند. وجود اعتماد متقابل میان کتابداران و سازمان و ایجاد تفکر ذهنی مثبت در ذهن آنها موجب بهبود ذهنیت آنها نسبت به فعالیت‌ها و پیچیدگی‌های استفاده از سیستم تسهیم دانش می‌شود (بیرانوند، شعبانی و محمدی استانی، ۱۳۹۶).

محمودی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر عوامل شناختی-اجتماعی بر رفتار اشتراک دانش در جامعه دانشگاهی که به روش پیمایشی و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در بین ۲۵۰ نفر انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که میانگین عوامل شناختی-اجتماعی و همچنین رفتار اشتراک دانش و ابعاد آن در میان جامعه پژوهش کمتر از حد مطلوب است. در میان عوامل شناختی-اجتماعی، دیدگاه مشترک بیشترین و اعتماد کمترین میانگین را دارد. براساس مدل برازش شده، متغیر اعتماد ۰/۸۹، متغیر دیدگاه مشترک ۰/۵۷، متغیر قوت رابطه ۰/۷۳ بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیئت علمی تاثیرگذار هستند (محمودی و دیگران، ۱۳۹۶).

اسکندری و ولوی (۱۳۹۶) در بررسی موانع و راهکارهای تسهیم دانش در شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری که با روش ترکیبی در بین کلیه مدیران و معاونان شرکت‌های فعال در پارک علم و فناوری خوزستان انجام داده است به این نتیجه رسیده‌اند که در میان مولفه‌های مورد مطالعه با توجه به نقطه برش‌های تعیین شده، عوامل تکنولوژیکی پایین‌تر از متوسط و عوامل فرهنگی، ساختاری و فردی در حد متوسط می‌باشند. لذا در راستای افزایش تسهیم دانش در پارک علم و فناوری راهکارهایی کاربردی مانند: تشویق رفتارهای تسهیم دانش شرکت‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در رابطه با تسهیم دانش و مزایای آن، گرفتن پروژه‌های بزرگ و تقسیم کار تخصصی بین شرکت‌ها پیشنهاد گردید (اسکندری و ولوی، ۱۳۹۶).

مطالعات خارجی

لی و همکاران^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تاثیر فرهنگ سازمانی و حمایت مدیریتی اشتراک دانش بر موفقیت فرآیندهای نرم‌افزاری به این نتیجه رسیدند که مولفه قبیله‌ای فرهنگ سازمانی بیش از مولفه سلسله‌مراتبی آن بر اشتراک دانش تاثیرگذار می‌باشد و بهبود فرآیند نرم‌افزاری اشتراک دانش تعدیل‌کننده فرهنگ سازمانی قبیله‌ای و حمایت مدیریتی در بستر موفقیت فرآیند نرم‌افزاری می‌باشد (لی و همکاران، ۲۰۱۶).

آرپاسی و بال اوغلو^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تاثیر جمع‌گرایی فرهنگی بر اشتراک دانش در بین دانشجویان کارشناسی تکنولوژی اطلاعات که با استفاده از مدل معادلات ساختاری انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که جمع‌گرایی فرهنگی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نگرش و هنجارهای ذهنی با در نظر گرفتن اشتراک دانش دارد. یافته‌ها همچنین حاکی از این است که نیت رفتاری به واسطه نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی تعیین می‌شود (آرپاسی و بال اوغلو، ۲۰۱۶).

پالو و چارلز^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مطالعه عوامل موثر بر قصد اشتراک دانش فروشندگان با استفاده از پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات از ۱۶۴ نفر پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که هنجارهای ذهنی و نگرش نسبت به اشتراک دانش تاثیر زیادی در قصد و نیت فروشندگان در اشتراک‌گذاری دانش دارد. در بین متغیرهای تاثیرگذار، بهبود اعتبار درک شده بیشترین تاثیر را دارد. این امر نشان می‌دهد که افراد قبل از درگیر شدن در اشتراک دانش به برآورد سود و زیان آن می‌پردازند. همچنین نتایج نشان داد که اشتراک دانش دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با حس خودارزشمندی و شرایط سازمانی می‌باشد. براساس نتایج این مطالعه رابطه منفی و معنی‌داری بین محرک‌های سازمانی درک شده و نگرش به اشتراک دانش وجود دارد (پالو و چارلز، ۲۰۱۶).

یان و همکاران^۴ (۲۰۱۵) پژوهشی تحت عنوان «رفتار اشتراک دانش در بین اعضای مرکز پژوهش اطلاعات» در کره جنوبی انجام داده‌اند. پژوهشگران این مطالعه با بهره‌گیری از نظریه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن نظیر بعد شناختی، ساختاری و ارتباطی به تبیین محرک‌های درونی و بیرونی اشتراک دانش پرداخته‌اند. این مطالعه در بین ۲۸۶ نفر از اعضای مرکز پژوهشی زیستی با روش پیمایشی انجام شده است. پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که محرک‌های درونی و بیرونی به طور معنی‌داری بر قصد و نیت اعضای مرکز به اشتراک دانش تاثیر دارد. سرمایه شناختی و ارتباطی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر میزان اشتراک دانش اعضای مرکز دارد. درحالی که، سرمایه ساختاری تاثیر مثبت و معنی‌داری بر قصد اشتراک دانش نداشت. قصد و نیت اشتراک دانش اعضای مرکز به طور معنی‌داری با رفتار اشتراک دانش واقعی آنها مرتبط می‌باشد (یان و همکاران، ۲۰۱۵).

چارچوب نظری و مدل تحقیق

در مجموع، با توجه به اینکه اشتراک دانش موضوعی است که مکاتب و نحله‌های مختلف علمی آن را بررسی و مورد بحث قرار داده‌اند، یک موضوع بین‌رشته‌ای و تلفیقی است که تئوری‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سازمان و مدیریت به آن پرداخته‌اند. در این میان، می‌توان چنین استدلال کرد، در حالی که مبانی نظری جامعه‌شناسی معرفت دارای عمق و غنای بیشتری هست ولی نظریه‌های تبیین‌کننده اشتراک دانش با توجه به نوظهور بودن حوزه، از عمق کافی برخوردار نبوده و بیشتر سطحی و

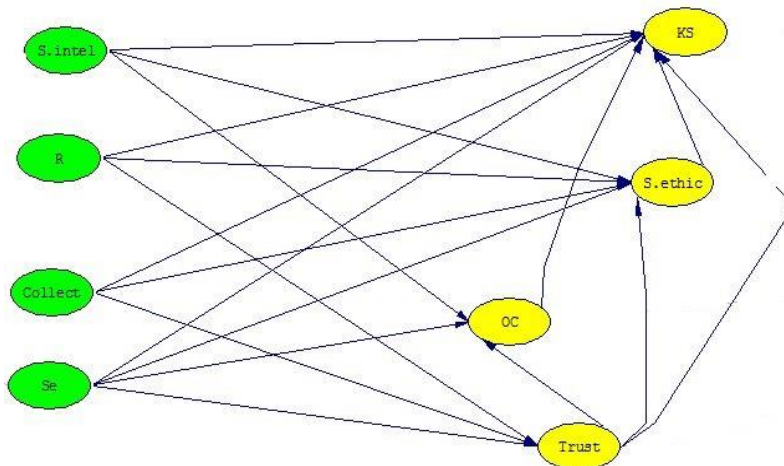
1. Lee et al

2. Arpaci & Balolu

3. Palo and Charles

دارای غنای کمتری هستند. دلیل این امر به خاطر جدید بودن این حوزه مطالعاتی است و برای اینکه نخست در سازمان‌های تجاری و بازرگانی مطرح شده است، بیشتر به دنبال کاربردی کردن و کاربردی نشان دادن اشتراک‌گذاری دانش و تجربه در دنیای رقابتی تجارت بوده‌اند.

در این راستا، نظریه مبادله اجتماعی در قالب هزینه-فایده به مکانیسم‌های تاثیرگذاری اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی موثر بر اشتراک دانش می‌پردازد. این نظریه اشتراک دانش را یک نوع رفتار مبادله‌ای می‌داند که موفقیت و استقرار آن منوط به تعهد اعضای گروه نسبت به جبران و برآورده کردن انتظارات و توقعات میدان اشتراک‌گذاری دانش و تجربه می‌باشد. نقد وارد بر این نظریه بیشتر به خاطر تقلیل‌گرایی موجود در این نظریه است. می‌توان گفت که نظریه مبادله اجتماعی با مضمون اصلی اجتماعی مطرح شده است ولی در رابطه با تفسیر یک رفتار بیشتر بر مولفه‌های اقتصادی تاکید کرده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

بررسی پدیده‌ها در علوم اجتماعی و رفتاری به معنای وسیع کلمه به وسیله روش‌های مختلفی انجام می‌گیرد. کاربرد هر یک از روش‌ها بر حسب ویژگی‌های پارادیمی است. با توجه به این که موضوع تحقیق حاضر «مطالعه جامعه‌شناختی تعیین‌گرهای اساسی اشتراک دانش» می‌باشد، لذا از نوع تحقیق کمی می‌باشد. بنابراین، روش پژوهش حاضر برحسب هدف تحقیق، از نوع کاربردی و برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی می‌باشد که محقق درصدد است تا تاثیرات علی متغیرهای اخلاق سایبری، اعتماد اجتماعی، خودکارآمدی دانشگاهی، فرهنگ سازمانی، دین‌داری و جمع‌گرایی فرهنگی را بر میزان اشتراک دانش تبیین نماید. در این راستا، از مدل مسیر که با استفاده از نرم‌افزار Lisrel برازش شده، استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان (دختر و پسر) شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ به تعداد ۵۵۸۹ نفر می‌باشد که نمونه براساس فرمول کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. بنابراین، در پژوهش حاضر تعداد نمونه هر طبقه متناسب با تعداد جامعه آماری می‌باشد. واحد تحلیل در این پژوهش، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز می‌باشد. در این پژوهش، برای تعیین دقیق اجزای فرمول کوکران از آزمون مقدماتی برای به‌دست آوردن واریانس متغیر وابسته (اشتراک دانش) به عنوان یکی از اجزای فرمول کوکران استفاده شده است.

$$n = \frac{5589 \times 3.8416 \times 0.475}{5589 \times 0.0025 + 3.8416 \times 0.475} = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، نزدیک به ۴۰ درصد پاسخگویان را دختر و ۴۷ درصد را دانشجویان پسر تشکیل می‌دهند. براساس وضعیت تاهل ۶۵ درصد از دانشجویان تحصیلات تکمیلی مجرد و ۱۴ درصد متاهل هستند و تقریباً ۲۰ درصد هم به این سوال پاسخی ندادند. برحسب سن پاسخگویان، کم‌سن‌ترین فرد دارای ۲۳ سال و بزرگ‌ترین آنها دارای ۳۹ سال می‌باشد. به لحاظ وضعیت اشتغال، ۸۸ نفر (۱۳/۵ درصد) از دانشجویان شاغل و ۵۳۴ نفر (۸۲/۲ درصد) از آنها دانشجویان غیرشاغل بوده‌اند. با توجه به نتایج توصیفی به دست آمده از کل نمونه آماری مورد مطالعه، ۳۷ نفر یعنی ۵/۷ درصد را طبقه پایین، ۱۹۹ نفر (۳۰/۶ درصد) طبقه متوسط به پایین و ۳۲۶ نفر (۵۰/۲ درصد) متوسط به بالا، ۳۱ نفر (۴/۸ درصد) طبقه بالا، ۱۳ نفر یعنی ۲ درصد بالا و ۴۴ نفر یعنی ۶/۸ درصد نیز به سوال طبقه خود جواب نداده‌اند.

برای آزمون رابطه بین خودکارآمدی دانشگاهی و اشتراک دانش، از آزمون ۲ پی‌رسون استفاده شده، نتایج نشان می‌دهد با سطح معنی‌داری $\text{sig} = /0.000$ و ضریب همبستگی (۰/۲۹۱) رابطه مثبت و مستقیمی بین خودکارآمدی دانشگاهی و اشتراک دانش وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده نشان‌دهنده همبستگی متوسط و مستقیم می‌باشد. یعنی دانشجویانی که دارای نمره بالایی در خودکارآمدی دانشگاهی هستند، در اشتراک دانش هم نمره بالایی دارند. همبستگی هریک از ابعاد اشتراک دانش با خودکارآمدی دانشگاهی در زیر توضیح داده می‌شود.

-همبستگی بین خودکارآمدی دانشگاهی و بعد تسهیم دانش و تجربه با اطمینان ۰/۹۹ به تایید رسید. شدت همبستگی در سطح متوسط به پایین و نوع رابطه مستقیم می‌باشد. یعنی با افزایش خودکارآمدی دانشگاهی در بین دانشجویان تسهیم دانش و تجربه آنها هم افزایش می‌یابد.

جدول ۱: نتایج رابطه بین متغیرهای مستقل و اشتراک دانش و ابعاد آن

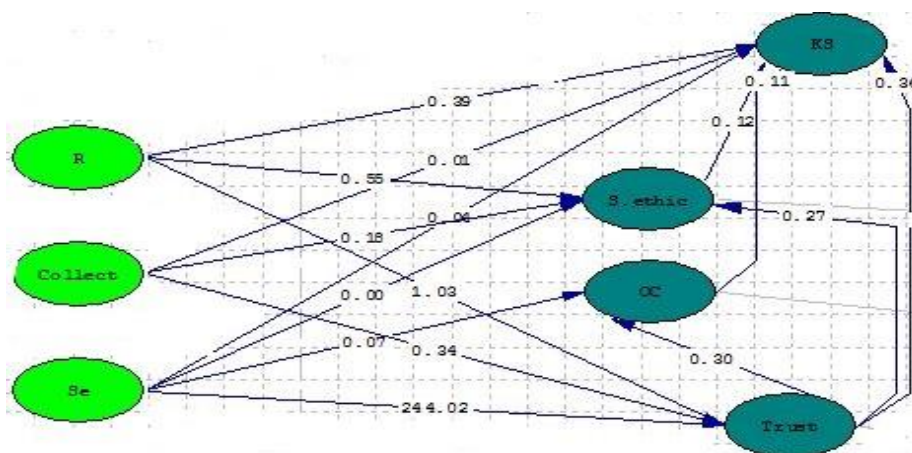
روابط متغیرها	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	تعداد مشاهدات
خودکارآمدی دانشگاهی و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۲۹۱**	۵۶۶
اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۵۴۴**	۵۶۶
جمع‌گرایی فرهنگی و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۴۶۶**	۵۶۶
دین‌داری و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۲۵۹**	۵۶۶
فرهنگ سازمانی و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶**	۵۶۶
اخلاق سایبری و اشتراک دانش	۰/۰۰۰	۰/۳۷۴**	۵۶۶

برای انجام تحلیل مسیر و محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر روی اشتراک دانش از مدل ساختاری استفاده گردید. مدل ساختاری مربوطه، با توجه به شاخص‌های نیکویی برازش، مورد تایید واقع گردیده است. شاخص‌های نیکویی برازش در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری مربوط به اشتراک دانش

IFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA
۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۹	۰/۰۶۰

نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که اثر مستقیم اعتماد اجتماعی بر اشتراک دانش به میزان ۰/۳۳ بیشتر از سایر متغیرها بوده است و اثر غیرمستقیم آن ۰/۰۶ می‌باشد. در مجموع، اثر کل اعتماد اجتماعی بر اشتراک دانش ۰/۳۹ می‌باشد. اثر مستقیم جمع‌گرایی فرهنگی بر اشتراک دانش ۰/۱۴ است، درحالی که اثر غیرمستقیم آن ۰/۱۹ می‌باشد. در مجموع اثر کل جمع‌گرایی فرهنگی بر اشتراک دانش بعد از اعتماد اجتماعی در حد بیشترین یعنی ۰/۳۳ بوده است. اثر مستقیم فرهنگ سازمانی و اخلاق سایبری بر اشتراک دانش به میزان ۰/۱۳ بوده و اثر کل آن به میزان ۰/۱۳ بوده است. اثر مستقیم متغیر خودکارآمدی دانشگاهی به میزان ۰/۰۱ و اثر غیرمستقیم آن بر اشتراک دانش ۰/۱۴ بوده و در مجموع هم اثر کل این متغیر بر اشتراک دانش ۰/۱۴ می‌باشد. اثر مستقیم دین‌داری بر اشتراک دانش به میزان ۰/۰۱ هست و اثر غیرمستقیم آن ۰/۰۵ و در مجموع اثر کل دین‌داری بر اشتراک دانش ۰/۰۶ می‌باشد. بنابراین، اعتماد اجتماعی از نظر اثر مستقیم و متغیر جمع‌گرایی فرهنگی از نظر اثر غیرمستقیم بیشترین تاثیرگذاری را بر اشتراک دانش دارد. جدول (۴) سایر نتایج تحلیل مسیر را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل ساختاری تبیین میزان اشتراک دانش براساس متغیرهای تحقیق

ks = اشتراک دانش s.ethic = اخلاق سایبری oc = فرهنگ سازمانی trust = اعتماد اجتماعی R = دین‌داری Collect = جمع‌گرایی فرهنگی SE = خودکارآمدی دانشگاهی

جدول ۳: تحلیل مسیر میزان اشتراک دانش براساس متغیرهای تحقیق

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	معنی‌داری
فرهنگ سازمانی	۰/۱۳	-	۰/۱۳	*
اعتماد اجتماعی	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۳۹	*
اخلاق سایبری	۰/۱۳	-	۰/۱۳	*
دین‌داری	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۶	
جمع‌گرایی فرهنگی	۰/۱۴	۰/۱۹	۰/۳۳	*
خودکارآمدی دانشگاهی	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۴	

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر علاوه بر این که به عنوان یک تحقیق بنیادی برای پژوهش‌های آتی می‌تواند مفید فایده واقع شود، به عنوان تحقیق کاربردی هم دارای نتایجی است که می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با اشتراک دانش مورد استفاده قرار گیرد. برای آزمون فرضیه رابطه معنی‌داری بین خودکارآمدی دانشگاهی و اشتراک دانش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که خودکارآمدی دانشگاهی با شدت همبستگی متوسط و با جهت مستقیم ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. به این معنی که هرچه خودکارآمدی دانشجویان در دانشگاه بالا می‌رود، میزان اشتراک‌گذاری دانش ضمنی و آشکار آنها افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری به دست آمده می‌توان گفت که شدت همبستگی بین این دو متغیر در سطح بالا و جهت رابطه مثبت می‌باشد. نتایج تحلیل مسیر هم حاکی از این است که اعتماد اجتماعی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم بر اشتراک دانش و ابعاد آن تاثیر دارد. به قول بلو^۱ (۱۹۶۴) اعتماد عنصر کلیدی در یک رابطه اجتماعی است. هرچه اعتماد بین افراد بیشتر باشد، روابط اجتماعی بین آنها قوی‌تر و بیشتر خواهد بود. اعتماد برای تعاملات اجتماعی و فرآیندهای تعامل متقابل ضروری است و نقش مهمی را در فرآیندهای اشتراک دانش بازی می‌کند (پای^۲، ۲۰۰۶: ۱۰۸). در این راستا، زیورالسکی استدلال می‌کند که «فراوانی تعاملات، توسعه اعتماد بین اعضای جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طور مشابهی، فراوانی تعاملات، حس همفکری را بین اعضای گروه تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، تعاملات نزدیک و فراوان ممکن است اعتماد را برانگیخته و به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا همدیگر را قابل اعتماد تلقی کنند. بنابراین، روابط درونی قوی فرصت‌طلبی را کاهش می‌دهد و به همه اعضای گروه در اشتراک دانش فایده می‌رساند (هان^۳ و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۸).

برای آزمون فرضیه ارتباط بین دین‌داری و ابعاد آن با اشتراک دانش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در رابطه با دین‌داری و اشتراک دانش نشان می‌دهد که دین‌داری با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. رابطه بین این دو متغیر از نظر شدت متوسط و از نظر جهت رابطه مستقیم می‌باشد. دین‌داری با همه ابعاد اشتراک دانش به غیر از نگرش به تسهیم دانش و تجربه همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. شواهد پژوهشی حاکی از انتظار قابل قبول ارتباط بین این دو سازه یعنی دین‌داری و اشتراک دانش می‌باشد، ولی پژوهش‌های خیلی کمی در داخل و خارج به این موضوع پرداخته‌اند.

1. Blau

2. Pai

3. Han

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که جمع‌گرایی فرهنگی با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح بالا و جهت مستقیم دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که جمع‌گرایی فرهنگی با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح بالا و جهت مستقیم دارد. به این معنی که هرچه دانشجویان تحصیلات تکمیلی متعلق به فرهنگ جمع‌گرایی باشند، میزان اشتراک‌گذاری دانش در بین آنها افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز بیشتر به جمع‌گرایی افقی یعنی همکاری و همیاری درون‌گروهی تمایل دارند. همچنین نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که فردگرایی افقی و عمودی با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد که با یافته‌های پژوهش سندهو و چینگ (۲۰۱۴) که به این نتیجه رسیده بودند که فردگرایی عمودی تاثیر منفی بر اشتراک دارد، همسو می‌باشد. به طور کلی فردگرایی تاثیر منفی بر رفتارهای اشتراک دانش دارد. برای اینکه معتقدان به فردگرایی دانش را به خودی خود منبع قدرت می‌دانند و انباشت آن را برای رسیدن به مقاصد خود ضروری می‌دانند. این یافته با نتایج پژوهش آرپاسی و بال اوغلو (۲۰۱۶) همسویی دارد.

برای آزمون فرضیه رابطه بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش از آزمون همبستگی استفاده شد که نتایج آزمون نشان می‌دهد که بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش رابطه کاملاً معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از همبستگی متوسط و مستقیم می‌باشد. به عبارت دیگر، با بالارفتن میزان اخلاق سایبری در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی، میزان اشتراک دانش آنها افزایش می‌یابد.

برای آزمون رابطه بین فرهنگ سازمانی و ابعاد آن با اشتراک دانش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین فرهنگ سازمانی و اشتراک دانش وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده حاکی از این است که بین این دو سازه رابطه معنی‌داری با شدت همبستگی متوسط و جهت مستقیم وجود دارد. اگر بخواهیم از نظریه مبادله اجتماعی ریچارد امرسون کمک بگیریم بهتر می‌توان رابطه بین فرهنگ سازمانی مبتنی بر مشارکت و چگونگی اشتراک دانش در بین دانشجویان را تبیین کرد. براساس این نظریه، زمانی که دانشجویان به دنبال تبادل منبع ارزشمندی نظیر دانش برآیند، فرصت‌هایی نظیر استفاده از یافته‌های جدید پژوهش‌ها، قرار گرفتن در یک شبکه انتقال دانش و خلق دانش جدید به وجود می‌آید. بنابراین از این طریق دانشجویان در یک نظام ساختاریافته مبادله دانش قرار می‌گیرند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که دانشگاه بسترهای مناسب را برای اشتراک دانش ضمنی و آشکار فراهم سازد. در این راستا، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه بسترهای اشتراک دانش آنلاین را با منابع اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان فراهم سازد.

با توجه به معنی‌داری بعد مشارکت فرهنگ سازمانی با تک ابعاد اشتراک دانش پیشنهاد می‌شود که دانشگاه و به ویژه معاونت پژوهش و فناوری شبکه مبتنی بر دانش را در بین استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به وجود آورد تا در کنش و کنش متقابل آنها موضوع اشتراک دانش و تجربه تحقق یابد. در این راستا، دانشگاه می‌تواند امتیازاتی را برای استادان و دانشجویانی که پژوهش‌ها و آثار و تولیدات علمی خود را در اختیار سایرین قرار می‌دهند، در نظر گیرد.

همچنین پیشنهاد می‌شود که مسئولان دانشگاه با تخصیص امتیازات و پاداش‌های مادی دانشجویان به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به سمت تقویت حس همکاری و اعتماد تشویق کند تا بدین‌وسیله مبنای مناسبی برای اشتراک‌گذاری یافته‌های علمی و جدید در حوزه‌های مختلف را فراهم سازند.

منابع

- انبارکی، سحر؛ جوکار، عبدالرسول و ابراهیمی، سعیده (۱۳۹۵). بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم عامل اعتماد بر تمایل به اشتراک دانش در جوامع مجازی علمی با استفاده از مدل تحلیل عاملی ساختاری. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۹(۱)، دوره ۱۹، ۳۱-۱.
- بیرانوند، علی؛ شعبانی، احمد و محمدی استانی، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر تسهیم دانش کتابداران و ارائه مدل پیش‌بینی رفتار آنها (مورد مطالعه: کتابخانه‌های عمومی استان فارس)، *فصلنامه مطالعات کتابداری و علم‌اطلاعات*، ۹(۱)، ۳۹-۶۰.
- حسین زاده، علیرضا (۱۳۹۴). *مدیریت دانش نیاز سازمان‌های عصر اطلاعات*، تهران، انتشارات یاد عارف.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید؛ ربانی خوراسگانی، وحید؛ ادیبی سده، مهدی و افقی، نادر (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌های تولید علم؛ تاملی در رویکردهای نوین، *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴(۴)، ۱۱۷-۱۵۸.
- رضادوست، کریم؛ نواح، عبدالرضا و ادیب‌زاده، الهام (۱۳۹۶). بررسی عوامل هنجاری و سازمانی موثر بر میزان تولید علمی اعضای هیئت علمی: مورد مطالعه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، *فصلنامه مطالعات کتابداری و علم‌اطلاعات*، ۹(۲)، ۲۳-۴۲.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نابیی، تهران، نشرنی.
- سلیمان پور، سمیرا؛ فرج پهلوی، عبدالحسین و دهداری‌راد، حسین (۱۳۹۶). بررسی زیرساخت‌های اشتراک دانش در دانشگاه شهید چمران از دید اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی این دانشگاه، *فصلنامه مطالعات کتابداری و علم‌اطلاعات*، ۹(۱)، ۲۱-۳۸.
- طالبی، بهنام؛ پاکدل بناب، مهدی و زمستانی، قادر (۱۳۹۲). *مدیریت دانش از تئوری تا کاربرد*، تبریز، انتشارات فروزش.
- کفاشان کاخکی، مجتبی؛ کمال‌زاده، سهیلا؛ نجی، آرزو و رجبی، مریم (۱۳۹۵). پیش‌شرط‌ها و پیامدهای قصد اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۹(۳)، ۷۳-۹۷.
- قاضی طباطبایی، محمود و ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی علم و فناوری: تاملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم، *نامه علوم اجتماعی*، ۳۱، ۱۲۵-۱۴۲.
- محمودی، حسن؛ فتاحی، رحمت‌الله؛ نوکاریزی، محسن و دیانی، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی تاثیر عوامل شناختی- اجتماعی بر رفتار اشتراک دانش در جامعه دانشگاهی، *فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۰(۲)، ۷۶-۱۰۷.
- نعمتی انارکی، لیلا (۱۳۹۳). اشتراک دانش برون سازمانی: ارائه الگوی جامع، *مجله اطلاع‌رسانی پزشکی نوین*، ۱(۱)، ۱۰-۲۳.

- Abdullah, N. L., Hamzah, N., Arshad, R., Isa, R. M. & Ghani, R. A. (2011). Psychological contract and knowledge sharing among academicians: mediating role of relational social capital. *International Business Research*, 4(4), 231.
- Arpaci, Ibrahim, Balolu, Mustafa (2016). The impact of cultural collectivism on Knowledge sharing among information technology majoring undergraduates, *Computers in Human Behavior* 56(4): 65-71.
- Aslam, M. M. h., shahzad, K., Syed, A. R., & Ramish, A (2013). Social capital and knowledge sharing as determinants of academic performance, *Journals of behavioral and Applied Management*, 15(1), 25-42.
- Chen, Peng-Ting, Kuo, Shu-chen (2017). Innovation resistance and strategic implications of enterprise social media websites in Taiwan through knowledge sharing perspective, *Technological Forecasting & social change*, 1-15.
- Chen, Peng-Ting, Kuo, Shu-chen (2017). Innovation resistance and strategic implications of enterprise social media websites in Taiwan through knowledge sharing perspective, *Technological Forecasting & social change*, 1-15.
- Chobdar ,Ghobad, Naseri , Majid, Bazmi , Zahra, Masuminejad, Faranak (2016). The role of Psychological empowerment in Sharing tacit knowledge, *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 5(6): 300-316.
- Han J, Han J, Brass DJ (2014). Human capital diversity in the creation of social capital for team creativity, *Journal of organizational behavior* 35: 54-71.

- Jafari Navimipou, Nima, Charband, Yeganeh (2016). Knowledge sharing mechanisms and techniques in project teams: Literature review, classification, and current trend, *Computers in Human Behavior* 62, 730-742.
- Kan, Youn Jung, Lee, Jin Young, Kim, Hee-Woog (2017). A psychological empowerment approach to online knowledge sharing, *Computers in Human Behavior* 74, 175-187.
- Lin, Tung-ching, Chen, Hsing Kenny, Wu, Sheng (2004). To share knowledge or not to share: A social Exchange Theory Perspective of Virtual team Member Behavior, *Proceeding of the second Workshop on Knowledge economy and electronic Commerce*, 5(2), 317-325.
- Lee, Jung-chieh, Shiue, Yih-cheang, Chen, Chung-Yang (2016). Examining the Impact of organizational culture and top management support of Knowledge sharing on the success of software process improvement, *Computers in Human Behavior*, 54(10), 462-474.
- Mallasi, Hisham, Ainin, Sulaiman (2015). Investigating Knowledge sharing Behaviour in Academic Environment, *Journal of Organizational Knowledge Management*, DOI,64,3253, 1-20.
- Muhammed, Shahnawaz (2006). *Antecedents and Impacts of Knowledge Management Practices Supported by Information Technology: An Empirical Study in Manufacturing Context*, PH.d Dissertation of Manufacturing Management and Engineering, The University of Toledo.
- Osman, Suhaila, Mat Kamal, Siti Nuur-Ila, Nazri Ali, Mohammad, Mohd Noor, Jannah Munirah, Asyraf WahiAnuar, Razifah Othman, Muhammad (2015). Mechanisms of Knowledge Sharing among Undergraduate Students in UiTM Johor, *International accounting and Business conference Procedia Economics and Finance* 31, 903 – 908.
- Palo, Sasmita, Charles, Linu (2016). Investigating Factors affecting Knowledge sharing Intention of Salespeople, *Management and Labour studies*, 40(3& 4): 1-23.
- Pai, Jung, Chi. (2006). "An empirical study of the relationship between knowledge sharing and IS/IT strategic planning (ISSP)", *Management Decision*, 44 (1). 105 – 122.
- Trehan, A. & Kushwaha, P (2012). The implementation of Knowledge Management System in B-Schools. *International Journal of Multidisciplinary Management Studies*, Vol.2 Issue 2, 252-260.
- Yeon, Kyeong Nam, Wong, Siew Fan, Chang, Younghoon, Park, Myeong-Cheol (2015). Knowledge sharing behavior among community member in Professional research information center, *Information development*, 5(3), 1-18.